

جلسه اول

فارسی

جمله و انواع جمله
نهاد و گزاره
شبه جمله



جمله :

به مجموعه ی کلماتی که کنار هم قرار بگیرند و معنا و مفهوم کاملی را انتقال دهند جمله می گویند.

مانند: از ابتدای تولد با آواهای دلنشین و نغمه های مهربانی من بزرگ شده است.



« انواع جمله »

۱- **جمله ی خبری:** در این نوع از جمله ها از وقوع کاری یا

پذیرفتن حالتی خبر می دهیم .

* در پایان این جمله ها (جمله خبری) نقطه می گذاریم.

مانند: خداوند زیباست.

۲- **جمله ی پرسشی:** در این نوع جمله ها در باره ی کاری یا

موضوعی پرسشی به عمل می آید.

*در پایان این جمله ها (جمله پرسشی) علامت ؟ می گذاریم.

مانند: دیروز چند عدد تست فارسی زدیم؟



۳- جمله ی امری:

جمله ای است که در آن انجام دادن یا ندادن کاری و

پذیرفتن یا عدم پذیرش حالتی را طلب می کند.

در پایان جمله امری باید نقطه بگذاریم.

مانند: این درس را با من بخوان.

نکته : اگر در جمله ای دستور به عدم انجام کاری باشد

(فعل نهی) باز هم آن جمله را باید جمله ی امری به

حساب آورد.



مانند : دیگر به گلها دست نزنید. (نهی)

۴- جمله ی عاطفی:

در این نوع از جمله ها یکی از عواطف انسانی خود را از قبیل

تعجب، خشنودی، آرزو، خشم و ... بیان می کنیم.

در پایان جمله ی عاطفی باید از علامت ! استفاده کنیم.

مانند: چه نقاشی زیبایی!

شبه جمله : کلمه یا عبارتی که شبیه به جمله بوده و در

شمارش تعداد جمله؛ یک جمله به حساب می آید. شبه جمله

ممکن است بدون فعل باشد و یا فعل در آن مخفی باشد.

نکته: شبه جمله می تواند به دو قسمت **اصوات و منادا**

تقسیم شود.

اصوات مانند: به به؛ آفرین؛ دریغا؛ افسوس؛ آخ؛ وای؛ مرحبا

منادا: خدایا؛ سعدیا؛ ای عزیز...

« ای یاران بیایید تا با هم برویم. »

تعداد جمله: ای یاران (یک جمله) بیایید (یک جمله) باهم

برویم (یک جمله)، در مجموع سه جمله

برای پیدا کردن تعداد جمله می توان از فرمول زیر استفاده

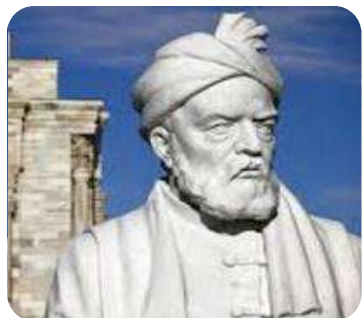
کرد.

تعداد جمله ها = شبه جمله + فعل های حذف شده + فعل های موجود

« ساختار جمله »



۱- جمله ی ساده : جمله ای که یک فعل داشته باشد.



مانند: فردوسی شاعر معروفی است.

۲- جمله ی مرکب : جمله ای که بیش از یک فعل داشته

باشد.



مانند: مطمئنم در امتحان قبول می شوم.

نکته : عبارت ها در جمله های مرکب به وسیله ی

حروف ربط به هم می پیوندند.

مثال: نوع جملات زیر را مشخص کنید :

(۱) او رصد خانه ی بزرگ مراغه را ساخت.

(۲) این مدرسه به چه نامی معروف بود.

(۳) بگیریید از آن گنج هر جا سراغ.

(۴) خروشید و جوشید و بر کند خاک.

۱- بیت زیر از چند جمله تشکیل شده است ؟

«بخندید و گفت: اینک آراستم»

بدانگه که از خواب برخاستم»

?

(۲) چهار جمله

(۱) سه جمله

(۴) شش جمله

(۳) پنج جمله

۲- با توجه به عبارت « یکی را گفتند: عالم بی عمل به چه

ماند؟ گفت: به زنبور بی عسل. »

نوع جمله به ترتیب در کدام گزینه درست آمده است؟

۱) پرسشی ، تعجبی ، خبری ، خبری

۲) خبری ، پرسشی ، خبری ، تعجبی

۳) خبری ، پرسشی ، خبری ، خبری

۴) خبری ، پرسشی ، پرسشی ، تعجبی



۳- اگر با کلمه های « سوال ، هزاران ، دارد ، می چرخد ، که

، در ، ما ، مغز ، وجود » یک جمله ی کامل بنویسیم، اولین

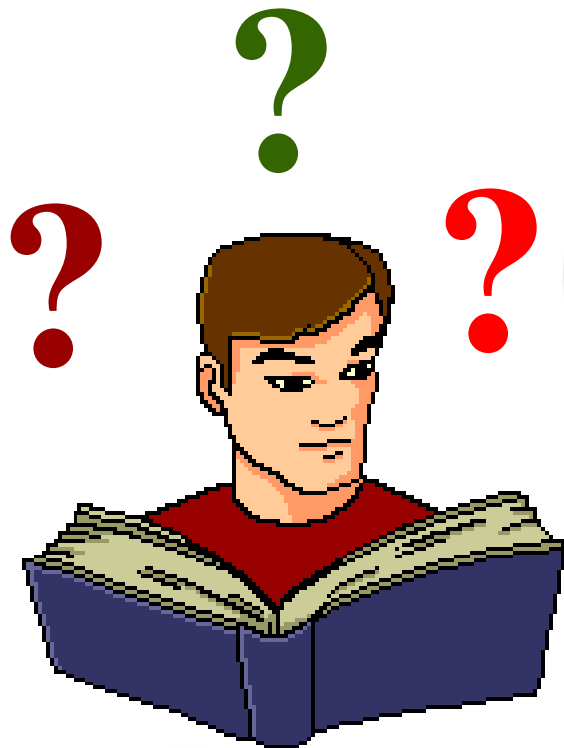
کلمه کدام کلمه است؟

(۱) مغز

(۲) سوال

(۳) هزاران

(۴) ما



۴- با کدام فعل زیر نمی توان جمله ی خبری ساخت؟

۱) نوشته اند

۲) بنویسید

۳) ساختم

۴) گذشته بود



۵- مصراع مقابل چه نوع جمله ای است ؟

« چو دانی و پرسى، سـوالـت خطاست »

(۱) خبری

(۲) پرسشی

(۳) عاطفی

(۴) امری

مترکبی

جمله از دو بخش **نهاد** و **گزاره** تشکیل شده است .



جمله ی زیر را بخوانید.

هدهد روی شاخه ی درخت نشسته بود.

د ر این جمله هدهد نهاد و بقیه ی جمله گزاره می باشد.

نهاد: قسمتی از جمله که در باره ی آن خبری می دهیم.

گزاره: خبری که در باره ی نهاد داده می شود.

مانند:

« هفت خان نام هفت مرحله از نبرد های رستم با

نیرو های اهریمنی است. »

- نهاد در این جمله ، کدام کلمه است؟

بله درست است : هفت خان نهاد می باشد.

- گزاره را در این جمله مشخص کنید.

بله بقیه ی جمله گزاره می باشد.



مثال: نهاد و گزاره را در جملات زیر مشخص کنید:

همه ی مسلمانان جهان با هم متحد هستند.

در اوایل بهار درختان و بوته ها جامه ی سبز می پوشند.

دانا همیشه توانا است.

مرغک دل داده به عجب و غرور

کرد یکی لحظه تماشای مور

نکات مهم در باره ی نهاد و گزاره :

- ۱- بعد از معلوم شدن نهاد، بقیه ی جمله گزاره است .
- ۲- فعل همیشه در قسمت گزاره است.
- ۳- اگر گزاره یک کلمه باشد، آن کلمه حتماً فعل است .
- ۴- گاهی نهاد در جمله هایی که فعل آن ها امری است حذف می شود.

مانند: به منزل برادرم بیا. (« تو » حذف شده است)

۵- نهاد یا گزاره هر کدام می توانند از یک یا چند کلمه تشکیل شوند .

مانند: سینا رفت .

ژیلا به پارک جنگلی رفت .

دانش آموزان کلاس ششم آمدند.

امین و دوستانش در آزمون استعدادهای درخشان شرکت کردند.



آموزش فعل:

جمله ی زیر را بخوانید:

« امیر امروز به کتاب خانه رفت. »

یکی از بخش های جمله را حذف می کنیم:

« امیر به کتاب خانه رفت. »

در جمله ی بالا کلمه ی (امروز) حذف شد.

هنوز جمله دارای معنا و مفهوم است.

بخش دیگری از جمله را حذف می کنیم:

« امیر امروز رفت. »

در جمله ی بالا عبارت (به کتاب خانه) حذف شد.

هنوز جمله دارای معنا و مفهوم است.

بخش دیگری از جمله را حذف می کنیم:

« امیر رفت. »

در جمله ی بالا عبارت (امروز و به کتاب خانه) حذف شد.

هنوز جمله دارای معنا و مفهوم است.

بخش دیگری از جمله را حذف می کنیم:

« امیر امروز به کتاب خانه »

در جمله ی بالا عبارت (رفت) حذف شد.

جمله ناقص است و مفهومی ندارد و منتظر بقیه ی جمله

هستیم .

بنابراین با حذف شدن « رفت » جمله دیگر کامل نیست .

این بخش از جمله، جزو اصلی جمله است که زمان خاص و

انجام گرفتن کاری را نشان می دهد و فعل نامیده می شود.

نکته: هر فعل چهار مفهوم را در بر می گیرد:

۱- انجام گرفتن کاری یا روی دادن حالتی

۲- زمان

۳- مفرد یا جمع بودن

۴- شخص

در جملات زیر فعل را مشخص کنید.

۶- کشاورز زحمت کش گندم می کارد.

۱) کشاورز (۲) می کارد (۳) گندم (۴) زحمت کش

۷- دانش آموزان کلاس اول با اتوبوس به اردو رفتند.

۱) اردو (۲) دانش آموزان (۳) رفتند (۴) کلاس اول

• مفعول

یکی دیگر از نقش‌های کلمه در جمله نقش مفعولی است.

همان‌طور که در فصل‌های پیش گفته شد، فعل اصلی‌ترین بخش یک جمله است.

مثال: حسن نامه را نوشت.

در این جمله وقتی شما بگویید "نوشت" شنونده می‌پرسد: "چه چیزی را نوشت؟" در واقع چیزی

نوشته شده است. بنابراین برای تمام شدن معنی جمله لازم است بخشی به فعل اضافه شود.

این بخش که معمولاً با کلمه "را" به کار می‌رود، "مفعول" است.

در زبان فارسی معیار امروز، "را" نشانه مفعول است.

طریقه پیدا کردن مفعول: از فعل جمله "چه کسی را" یا "چه چیزی را" سوال می‌کنیم.

جواب همان مفعول است.

مثال: شاهرخ کتاب را آورد. مفعول: چه چیزی را آورد = کتاب را.
نهاد مفعول فعل
گزاره

نکته: مفعول همیشه یک کلمه نیست، بلکه می تواند یک ترکیب باشد، به همین دلیل بدان گروه مفعولی می گوئیم.
مثال: شاهرخ کتاب فارسی را آورد.
گروه مفعولی

نکته: را در این گونه جملات نشانه‌ی مفعول است که ممکن است در برخی جملات حذف هم شود.
مثال: آرمین سوال پرسید.

• تکرار

تکرار عبارت است از آنکه شاعر یا نویسنده لفظی را مکرر بیاورد. هرگاه نویسنده بخواهد بر چیزی تأکید کند، آن را تکرار می کند. این تکرار آگاهانه بر تأثیر سخن می افزاید شاعران از «تکرار» برای زیباسازی و تأثیرگذاری شعر استفاده می کنند. حتی گاه به تکرار یک بیت در شعر می پردازند.

مثال : باران قطره قطره همی بارم ابروار

هر روز خیره خیره ازین چشم سیل بار

زان قطره قطره، قطره باران شود خجل

زان خیره خیره، خیره دل من ز هجر یار

عسجدی

تکرار در نظم یا نثر، در ظاهر نشان‌دهنده‌ی ضعف در کار شاعری و نویسندگی است؛ اما در شعر شاعران برجسته اینگونه تکرارها نه تنها دلیل ناتوانی در کار آفرینش هنرمندانه‌ی کلام و کمبود گوهر کلمه در خزانه‌ی سرشار خیال و ذوق نیست، بلکه تسلط و توانمندی شاعر را نشان می‌دهد.

دانش‌های زبانی و ادبی: فصل سوم، درس هفتم

• متمم

یک گروه اسمی است با نقش نمای حروف اضافه . می توان ساختمان آن را چنین نشان داد:

متمم ← حرف اضافه + گروه اسمی

کاربرد های متمم:

متمم دارای دو نوع کاربرد اساسی است:

۱- برای افزودن توضیح بیشتری در جمله به کار می‌رود و حذف آن، جمله را ناقص نمی‌کند این نوع متمم را متمم اختیاری (متمم قیدی) می‌نامند.

مثال: حمید با دوستش به نمایشگاه کتاب رفت

۲- گاهی برخی از واژه‌ها برای اتمام معنای خود به متمم نیازمند هستند و بدون متمم، معنایشان ناقص است این‌گونه متمم را متمم اجباری می‌نامند که می‌توان آن‌ها را به سه نوع تقسیم کرد.

مثال: مادر م از سوسک ترسید.

دانش‌های زبانی و ادبی : فصل سوم، درس هشتم

• فعل‌های اسنادی

الف (فعل‌های اسنادی (ربطی)

به فعل‌هایی گفته می‌شود که بوسیله آن چیزی را به چیز دیگر نسبت می‌دهند. (اسناد یعنی نسبت دادن صفتی یا حالتی به کسی یا چیزی)

مثال: در جمله "آسمان تاریک شد." تاریخ شدن به آسمان نسبت داده شده است .

فعل‌های اسنادی محدود ولی پر کاربرد هستند. این فعل‌ها عبارتند از: است، بود، شد، گشت، گردید و فعل‌های مشابه آنها مانند: هست، نیست، بود، باشد، شود و

ب (فعل‌های غیر اسنادی (خاص)

فعل‌هایی که انجام گرفتن کاری را نشان می‌دهند .

مولوی در قرن هفتم زندگی می‌کرد و کتاب مثنوی معنوی را سروده است .

در جمله‌های بالا فعل‌های "زندگی می‌کرد" و "سروده است" انجام کاری را نشان میدهند .

نکاتی درباره فعل‌های اسنادی:

۱. اگر فعل‌های (است، هست، نیست، بود، باشد) معنی "وجود داشتن یا قرار داشتن"

بدهد اسنادی نیستند.

مثال: کیفم روی میز است. یعنی کیفم روی میز قرار دارد، بنابراین فعل "است" غیر اسنادی است.

او در کلاس نیست. یعنی او در کلاس وجود ندارد.

۲. اگر فعل های "گشت و گردید" به معنای "چرخیدن، گردش کردن و جستجو کردن" باشد اسنادی نیستند. مانند مثال های زیر:

مثال: بهروز دنبال خودکارش می گشت. (جستجو می کرد)

مثال: زمین به دور خورشید می گردد. (می چرخد)

مثال: ما هر روز با خانواده در پارک می گردیم. (گردش می کنیم)

۳. اگر در جمله ای "شد یا شود" به معنی "رفت" به کار رود غیر اسنادی است. مانند:
اگر درخانه ای شوی که به نقش گچ کنده کرده باشند، روزگار دراز صفت آن گویی.

در اینجا "شوی" به معنی "بروی" است.

زاهد خلوت نشین دوش به میخانه شد از سر پیمان برفت با سر پیمانه شد

در هر دو مصراع "شد" به معنی "رفت" است.

این صورت فعل بیشتر در گذشته و متون قدیمی کاربرد داشته است و امروزه جز در بعضی زبان های مناطق شمالی کشور استفاده نمی شود.

۴. اگر فعل های اسنادی به همراه فعل دیگری بیایند و به صرف آنها کمک کنند فعل کمکی نامیده می شوند و دیگر اسنادی نیستند. مانند: رفته است، گفته بود، نوشته شد، رفته باشد.

معمولاً

دانش های زبانی و ادبی: فصل چهارم ، درس نهم

• مسند

مسند در دستور زبان فارسی، یکی از نقشههایی است که یک کلمه یا گروهی از کلمات میتوانند در جمله داشته باشند. ساخت جمله ای که مسند در آن به کار می رود، چنین است :

" فاعل + مسند + فعل اسنادی (فعل ربطی) "

مسند همواره یا گروه اسمی است یا گروه صفتی یا گروه حرف اضافه ای . مثلا در جملات زیر:

دانشجویان بسیار خسته هستند.

من محمد رضایی هستم.

این انگشتر از طلاست.

عبارات " بسیار خسته " ، " محمد رضایی " و " از طلا " نقش مسند دارند که اولی، گروه صفتی، دومی گروه اسمی و سومی گروه حرف اضافه ای است.

• روش پیدا کردن مُسند :

به اول فعل اسنادی، کلمه های " چگونه " یا " چی؟ " اضافه می کنیم و مسند را به دست می آوریم.

مانند: انقلاب دینی و فرهنگی در آثار نویسندگان پس از انقلاب اسلامی نیز جلوه گر شد.

چگونه شد؟ جلوه گر ← مسند

مثال : هم نشین نیک ، بهتر از تنهایی است .

نهاد مسند فعل اسنادی(ربطی)

دانش‌های زبانی و ادبی: فصل چهارم، درس دهم

• انواع فعل از نظر زمان

یکی از ویژگی‌های فعل زمان فعل است. فعل با توجه به زمان انجام گرفتن کار در سه زمان تعریف می‌شود.

- | | |
|--------------------|------------------------|
| مانند : می‌روم | ۱- زمان حال (مضارع) |
| مانند: رفت | ۲- زمان گذشته (ماضی) |
| مانند: خواهیم رفت. | ۳- زمان آینده (مسقبل) |

مثال: در جملات زیر زمان فعل را مشخص کنید:

دوستان مینا برای او نامه می‌نویسند.

حال گذشته آینده

خانواده آقای هاشمی در تابستان به مشهد رفتند.

حال گذشته آینده

ما سال دیگر به کلاس بالاتر خواهیم رفت.

حال گذشته آینده

• قطعه

ساختار قطعه :

در قالب شعری قطعه مصرع های دوم هم قافیه هستند.

_____	_____
_____	_____
_____	_____

محتوا و درون مایه قطعه :

قطعه از قالب هایی است که می تواند از جهت طنز و هجو و مسایل اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد؛ اما معمولاً محتوای آن مطالب اخلاقی، پند و اندرز، مناظره، حکایت، شکایت و مسایل سیاسی و اجتماعی است.

قطعه سرایان مشهور شعر فارسی :

در میان شاعران گذشته ابن یمین، و انوری مشهورترین قطعه ها را سروده اند و در میان شاعران معاصر می توان از پروین اعتصامی، ملک الشعراء بهار و ایرج میرزا نام برد. قطعه ای از سعدی:

گلی خوشبوی در حمام روزی	رسید از دست مخدومی به دستم
بدو گفتم که مشکی یا عبیری؟	که از بوی دلاویز تو مستم
بگفتا من گلی ناچیز بودم	ولیکن مدتی با گل نشستم

کمال همنشین بر من اثر کرد وگر نه من همان خاکم که هستم

دانش‌های زبانی و ادبی : فصل چهارم، درس یازدهم

یکی دیگر از ویژگی‌های فعل، شخص فعل است. در دستور زبان فارسی به شخص گوینده اول شخص، شنونده دوم شخص و به فردی که درباره او صحبت می‌کنیم و غایب است، سوم شخص می‌گوییم. از آنجا که فعل مفهوم مفرد یا جمع بودن را نشان می‌دهد پس شخص فعل به شش صورت بیان می‌شود:

۴- اول شخص جمع (می‌رویم)

۵- دوم شخص جمع (می‌روید)

۶- سوم شخص جمع (می‌روند)

۱- اول شخص مفرد (می‌روم)

۲- دوم شخص مفرد (می‌روی)

۳- سوم شخص مفرد (می‌رود)

اگر شش شخص فعل را به ترتیب نام ببریم به این عمل «صرف فعل» گویند.

دانش‌های زبانی و ادبی: فصل پنجم، درس دوازدهم

• ضمیر

ضمیر کلمه‌ای است که برای جلوگیری از تکرار اسم به جای آن می‌نشیند و در نتیجه به زیبایی جمله کمک می‌کند.

مثال: لاله به محض اینکه از مدرسه می‌آید به پدر و مادر لاله سلام می‌کند و پدر و مادر لاله نیز جواب سلام لاله را با خوشرویی می‌دهند.

لاله به محض اینکه از مدرسه می‌آید به پدر و مادرش سلام می‌کند و ایشان نیز جواب سلامش را با خوشرویی می‌دهند.

اسمی که ضمیر به جای آن نشسته مرجع ضمیر نامیده می‌شود. در مثال فوق مرجع "ایشان" پدر و مادر و مرجع "ش" لاله می‌باشد.

مثال: مهربان از مدرسه آمد/ او از مدرسه آمد.

مثال: کتاب کوروش گم شده است/ کتابش گم شده است.

انواع ضمیر

همان‌گونه که در مثال‌ها مشاهده کردید برخی از ضمائر به صورت جدا می‌آیند و برخی دیگر به کلمات می‌چسبند. بر این اساس به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- جدا یا گسسته یا منفصل

۲- پیوسته یا متصل

ضمیر شخصی جدا یا گسسته یا منفصل : ضمیری که به صورت مستقل به کار می‌رود و برای شش شخص عبارتند از:

مفرد	جمع
اول شخص: من	اول شخص: ما
دوم شخص: تو	دوم شخص: شما
سوم شخص: او	سوم شخص: آنها

ضمیر شخصی پیوسته یا متصل: ضمیرهایی هستند که هرگز به تنهایی و جداگانه به کار نمی‌روند بلکه همیشه به کلمه قبل از خود می‌چسبند و عبارتند از:

مفرد	جمع
اول شخص: مَ	اول شخص: مَـن
دوم شخص: تَ	دوم شخص: تَـن
سوم شخص: شَ	سوم شخص: شَـن

دقت کنید ضمائر پیوسته را با شناسه‌های فعل اشتباه نگیرید. برای تشخیص این ضمائر می‌توان مرا، تو را، او را، ما را، شما را، ایشان را به جای آنها به کار برد.

مثال: کتابم ← کتاب مرا

کتابت ← کتاب تو را

کتابش ← کتاب او را

دانش‌های ادبی و زبانی: فصل پنجم، درس سیزدهم و چهاردهم

• مصدر

از فعل چهار مفهوم دریافت می‌شود: ۱. مفهوم انجام گرفتن کار یا حالت. ۲. شخص معین
۳. زمان معین ۴. مفرد و جمع بودن

مثال: فعل رفتم چهار مفهوم را بیان می‌کند ۱. عمل رفتن را نشان می‌دهد. ۲. اول شخص
(من) ۳. زمان ماضی یا گذشته ۴. مفرد

اگر کلمه‌ای یکی از این چهار مفهوم را نداشته باشد فعل نیست مانند کلمه "دیدن" که زمان و
شخص را نشان نمی‌دهد پس فعل نیست و از آنجا که انجام کار را می‌رساند به آن مصدر می-
گوییم.

مصدر اسمی است که بر انجام کاری دلالت می‌کند ولی زمان مشخصی ندارد و در
آخر آن ن می‌آید. مانند: خوردن، رفتن، شدن، شستن، گفتن، شنیدن، خریدن، پوشیدن،
پختن و

• بن فعل و شناسه

هر فعل از دو جزء مهم تشکیل یافته است؛

۱. جزء ثابت در ساخت های فعلی (بن)

۲. (جزء متغیر در ساختار فعلی (شناسه)

بن یا ریشه فعل جزء تغییرناپذیر فعل لست که در شش صیغه ی دستور زبان فارسی به صورت
ثابت تکرار می‌شود و انجام کار و زمان فعل را مشخص می‌کند. فعل های زمان گذشته و آینده از
بن ماضی و فعل های حال و امر از بن مضارع ساخته می‌شوند.

نحوه ساخت بن ماضی: هرگاه از پایان مصدر ـَن را حذف کنیم، آنچه باقی می‌ماند، بن ماضی است.

خوردن = خورد

نحوه ساخت بن مضارع: برای ساختن بن مضارع از مصدر، فعل امر مفرد می‌سازیم، سپس بـ ابتدای آن را حذف می‌کنیم.

خوردن = (تو یک نفر عمل خوردن را انجام بده) ← بخور ← حذف بـ ← خور

شناسه جز دوم فعل است که در صرف کردن تغییر می‌کند و شخص و شمار (جمع و مفرد) فعل را نشان می‌دهد. هر شناسه در واقع به یکی از ضمیرهای "من، تو، او، ما، شما و آنها" اشاره می‌کند. فعل سوم شخص مفرد در زمان ماضی شناسه ندارد.

شناسه های فعل ماضی	
مَـ	یمَـ
ی	یدَـ
∅	ندَـ

شناسه های فعل مضارع	
مَـ	یمَـ
ی	یدَـ
دَـ	ندَـ

به مثال زیر در ساخت بن ماضی و بن مضارع و به افعال جدول و شناسایی بن و شناسه دقت کنید. (بن ها با رنگ سبز و شناسه ها با رنگ آبی مشخص شده اند)

مصدر دیدن

بن ماضی : دیدن ← دید

دیدیم	دیدم
دیدید	دیدستی
دیدند	دیدند

بن مضارع : ابتدا از دیدن فعل امر دوم شخص مفرد آن را می سازیم ← ببین در قدم بعد بر آن

حذف می کنیم ← بین

می بینیم	می بینم
می بینید	می بینستی
می بینند	می بینند

دانش‌های ادبی و زبانی: فصل ششم، درس شانزدهم

• زمان آینده یا مستقبل

فعل مستقبل فعلی است که فقط بر زمان آینده دلالت می‌کند.

ساخت فعل مستقبل: خواه + شناسه مضارع + بن ماضی فعل اصلی مانند : خواه + مَ + خورد: خواهم گفت.

صرف فعل مستقبل از "گفت"	
خواهم گفت	خواهیم گفت
خواهی گفت	خواهید گفت
خواهد گفت	خواهند گفت

نکته: توجه داشته باشید که در فعل مستقبل شناسه در جزء اول، یعنی؛ خواه -م و .. آمده است.

• ترکیب‌های وصفی و اضافی

ترکیب وصفی:

به ترکیبی که اسم با صفت خود می‌سازد، ترکیب وصفی می‌گویند. ترکیب‌های وصفی این گونه

ساخته می‌شوند: اسم + - + صفت

صفت : کلمه‌ای است که حالت، مقدار، شمار و یا دیگر ویژگی‌های اسم را توضیح می‌دهد. پس

تشخیصی صفت از اسم می‌تواند خیلی راحت باشد، زیرا اسم برای نامیدن اشیا یا افراد به کار می‌رود.

موصوف : اسمی است که صفت، آن را توضیح می‌دهد.

مثال: خیابان شلوغ،

موصوف صفت

صدای دلنشین،

موصوف صفت

دانش‌آموز کوشا

موصوف صفت

ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه) :

هرگاه اسمی یا ضمیری به دنبال اسم دیگر بیاید تا توضیحی درباره ی آن بدهد و یا معنی آن را کامل کند، اسم اول را مضاف و اسم دوم را مضاف الیه و ترکیب این دو را ترکیب اضافی می گویند. ترکیب- های اضافی این گونه ساخته می شوند: اسم + - (نقش نمای اضافی) + اسم

مثال : کتاب ادبیات

مضاف مضاف الیه

دفتر علی

مضاف مضاف الیه

روش تشخیص ترکیب اضافی از وصفی :

بهترین راه شناخت ترکیب های وصفی از اضافی شناخت اسم یا صفت بودن کلمه ی دوم است. اگر اسم بود، ترکیب اضافی است و اگر صفت بود، ترکیب وصفی. حال دو روش عمده را برای شناخت ترکیب ها در اینجا معرفی می کنیم. توجه داشته باشید گرچه در اکثر ترکیب ها روش های زیر موثر است اما در مورد برخی از آن ها ممکن است روش های فوق جواب ندهد.

۱. به آخر ترکیب های وصفی یا اضافی «تر» یا «ترین» اضافه می کنیم. اگر معنی داد ترکیب وصفی و اگر معنی نداد ترکیب اضافی است.

مثال: کوه بلند ← بلند + تر ← کوه بلندتر (معنی می دهد پس کلمه دوم صفت است و ترکیب وصفی است)

۲. در ترکیب نقش نمای اضافی را حذف و به جای آن «ی» می گذاریم، اگر معنی داد کلمه دوم صفت و ترکیب وصفی است و اگر معنی نداد ترکیب اضافی است.

مثال: کوه بلند ← کوهی بلند (معنی می دهد پس ترکیب وصفی است)

مثال: کوه دماوند ← کوهی دماوند (معنی نمی دهد پس ترکیب اضافی است)

دانش‌های ادبی و زبانی: فصل ششم، درس هجدهم

• اسم‌های ساده و غیر ساده

اسم‌های ساده اسم‌هایی هستند که فقط از یک جزء یا بخش ساخته شده‌اند و اصلاً قابل تجزیه شدن نیستند مانند: قلم، کتاب، دفتر، کشور

نکته: کلمات عربی و انگلیسی هر چند طولانی اسم‌های ساده‌اند. چرا که بررسی ساختمان اسم از این منظر در خصوص اسم‌های فارسی انجام می‌گیرد و کلمات انگلیسی و عربی مورد استفاده در زبان فارسی ساده محسوب می‌شوند.

عربی: استخدام، اطلاعات، تفکر، مصادف

انگلیسی: کامپیوتر، اپراتور، تلویزیون، موبایل

اسم‌های غیر ساده اسم‌هایی هستند که از چند جزء تشکیل شده‌اند.

ممکن است هر دو یا چند جزء اسم معنادار باشد مثل: کتاب‌خانه، گوش‌نواز، مهرشاد، جان‌گداز

ممکن است اسم شامل یک یا چند جز معنادار و یک یا چند «وند» بی معنی باشد.

تعریف وند: اجزای بی معنی هستند که به تنهایی کاربرد ندارند بلکه هرگاه به کلمات دیگر بچسبند، معنی

آن‌ها را تغییر می‌دهند. مانند: مند، گر، ش، نا، ستان و ...

مثال: کارگر، کارمند، گلستان، پژوهش، شهرستان

نکته: علامت‌های جمع (ان، ها) وند محسوب نمی‌شوند و اگر به کلمه اضافه شوند باز آن کلمه ساده است.

مثال: درختان (ساده)

معماری